

## بررسی فرایند تحول مراحل مختلف هویت جنسی در کودکان ۲ تا ۷ سال

سیامک سامانی

دانشجوی دکتری دانشگاه، شیراز

دکتر محمد خیر

دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز

### چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی فرایند تحول مراحل مختلف هویت جنسی در کودکان بود. بدین منظور ۱۱۷ نفر از کودکان ۲ تا ۷ ساله در مرکز پیش دبستانی و دبستانی دانشگاه شیراز انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. سپس با استفاده از مصاحبه به گردآوری اطلاعات در مورد سطح رشد هویت جنسی کودکان پرداخته شد. فرایند مصاحبه شامل ۱۰ سؤال بود که سه سؤال در باب هویت جنسی، سه سؤال در باب ثبات جنسی، و سه سؤال دیگر نیز در مورد استواری جنسی بود. سئوال‌ها در سه گروه موضوعی مختلف طبقه بندی گردید: (۱) خود کودک، (۲) همسال همجنس، (۳) همسال غیر همجنس. سؤال دهم مصاحبه نیز در مورد قضاوت کودک درباره نحوه شناسایی و تشخیص جنسیت توسط کودک بود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که کودکان در جریان تحول جنسی به ترتیب سه مرحله هویت جنسی، ثبات جنسی، و استواری جنسی را پشت سر می‌گذارند. کودکان در جریان تحول جنسی ابتدا در مورد خود، سپس در مورد همسال همجنس، و سپس در مورد همسال غیر همجنس این مراحل را اکتساب می‌کنند. کودکان ۶ تا ۷ ساله نیز در قضاوت در مورد نحوه تشخیص جنسیت، به نقش‌های جنسی بیشتر از دیگر گروه‌های سنی اشاره داشتند. همچنین این تحقیق نشان می‌دهد که رشد هویت جنسی از فرایند رشد شناختی تبعیت می‌کند.

کلید واژه‌ها: هویت جنسی، ثبات جنسی، استواری جنسی، طر حواره جنسی، کودک

## مقدمه

زن و یا مرد بودن یک موضوع زیستی است و بر مبنای این خصوصیت زیستی و همچنین خصوصیتی از قبیل توانایی‌های فردی و اجتماعی و فرهنگی می‌توان از زن و مرد انتظار ایفای نقش‌های خاصی داشت. در فرآیند جامعه‌پذیری لازم است فرد به جنسیت خود کاملاً پی برد، چون این امر او را در یادگیری رفتارها و مهارت‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی یاری می‌دهد. به او می‌آموزد که چه نوع فعالیت‌هایی متناسب با جنسیت او است و جامعه (خانواده، همسالان، و دیگر افراد جامعه) چه انتظاراتی به سبب تعلق او به یکی از این دو گروه جنسی (زن یا مرد) از وی دارد. به اعتقاد بعضی از متخصصان، درک این مطلب (تعلق به گروه جنسی خاص) کودک را در فرآیند یادگیری و ایفای نقش‌های جنسی یاری می‌دهد.

کسب هویت جنسی<sup>۱</sup> از سوی کودکان نشانی از بروز نوعی خودآگاهی<sup>۲</sup> در مورد جنسیت است و هرچه این خودآگاهی عمیق‌تر باشد، کودک ادراک دقیق‌تری در باب تشخیص جنسی و ثبات جنسی<sup>۳</sup> خواهد داشت. در رابطه با نحوه کسب هویت جنسی در کودکان، نظریه‌ها و رویکردهای متفاوتی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به دو رویکرد رشد شناختی و طرحواره<sup>۴</sup> جنسی<sup>۵</sup> اشاره کرد که در ادامه، این دو دیدگاه بررسی می‌شود.

## رویکرد شناختی کلبگ در مورد هویت جنسی

یکی از مشهورترین افرادی که در امر مطالعه هویت جنسی تلاش فراوانی کرده اورنس کلبگ<sup>۶</sup> است. وی معتقد است که درک کودکان از جنسیت، همانند درک آنها از جهان فیزیکی<sup>۷</sup>، تحول می‌یابد (۱۹۶۶ و ۱۹۶۹، به نقل از بورک لندن، ۱۹۸۹). طبق نظر کلبگ دانش فرد از جنسیت از مدل رشد شناختی پیازه پیروی می‌کند. وی، بر این اساس

1. Socialization

2. Gender identity

3. Self -Awareness

4. Gender stability

5. Gender schema

6. Oranz kolberg

7. Physical world

8. Bjorklund

معتقد است که کودکان تا قبل از مرحله عملیات عینی<sup>۱</sup> (حدود ۷ سالگی) درک دقیقی از جنسیت و هویت جنسی ندارند. در طول سال‌های پیش از دبستان، کودکان دانش فراوانی در مورد مفهوم جنسیت کسب می‌کنند. در ابتدا آنها می‌فهمند که افراد به دو گونه مؤنث و مذکر تقسیم می‌شوند و خود را جزء یکی از این دو گروه محسوب می‌کنند. در این مرحله، شناسایی خود به عنوان زن یا مرد مبتنی بر دانش مربوط به دستگاه تناسلی، نیست، بلکه این تشخیص و تمایز بیشتر بر پایه نشانه‌های ظاهری همانند لباس یا نوع رفتارهای زنانه و مردانه است.

کودکان، پیش از دبستان به توانایی تشخیص جنسیت دست می‌یابند (منظور از تشخیص جنسیت، آگاهی کودک از دختر یا پسر بودن است). تشخیص جنسیت خود در طول دوران پیش دبستانی و اوایل دبستان به عنوان عاملی مهم در ادراک خود و دیگران به حساب می‌آید (نیومن و نیومن ۳، ۱۹۹۷). کلبِرگ همچنین معتقد است، که درک پایداری جنسی<sup>۲</sup> پیش‌نیاز اکتساب نقش‌های اجتماعی<sup>۳</sup> است، هرچند بسیاری از نقش‌های جنسی قبل از رسیدن به پایداری جنسی کسب می‌شود.

نظریه<sup>۴</sup> طرح‌واره جنسیتی، فرایند اکتساب نقش جنسی را از دیدگاه پردازشگری اطلاعات<sup>۵</sup> مورد تحلیل قرار می‌دهد. طرفداران این نظریه معتقدند که توجه و رفتار کودک توسط هیجانات درونی<sup>۶</sup> او نسبت به جنسیت، هنجارهای فرهنگی<sup>۷</sup>، و کلیشه‌های اجتماعی عادت می‌شود (بِم ۹، ۱۹۸۹؛ لوی و کارتر<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۹). بدین معنا که آنچه موجب تشخیص جنسی در کودکان می‌گردد هنجارها و کلیشه‌های رفتاری و اجتماعی است که جامعه آنها را برای کودکان مناسب دانسته است.

در مقایسه مطالب پیشین، ذکر این نکته ضروری است که گرچه دیدگاه کلبِرگ در مورد هویت جنسی را از نظریه اسکمای جنسی جدا می‌سازد، هر دو دیدگاه به وسیله

1. Concrete Operations

2. Self - Perception

3. Newman

4. Gender Constancy

5. Social Roles

6. Information Processing

7. Internal Motivation

8. Cultural Standard

9. Bem

10. Levy & Carter

مفاهیم شناختی رایج در رویکرد شناختی تبیین می‌شوند.

### ب. نظریهٔ طرحوارهٔ جنسی

اساس نظریهٔ طرحوارهٔ جنسی مبتنی بر مفاهیم رویکرد پردازشگری اطلاعات است (بِم<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹). طرحواره سازه‌ای شناختی مربوط به تعدادی تداعی است که راهنمای پردازش محتواهای رفتاری خاص است. این نظریه به چگونگی پردازش اطلاعات مربوط به جنسیت و سازماندهی این اطلاعات اشاره دارد. طبق نظر مارتین<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۹۰) جنسیت خصیصه‌ای بارز و مشاهده‌پذیر در جهان کودک است که هم به خود او و هم به دیگران مربوط است؛ به همین سبب، این طرحواره ابتدا به وسیله مشاهده کردن به وجود می‌آید.

کودکان معمولاً از طرحوارهٔ جنسی برای ارزشیابی میزان مناسبت رفتارها برای خود استفاده می‌کنند. به طور مثال آیا این رفتار (فوتبال بازی کردن) مناسب یک پسر است؟ پس از آنکه کودکان به این پرسش‌ها به صورت مثبت پاسخ دهند، به اکتساب اطلاعات بیشتری پیرامون آن رفتار می‌پردازند (قواعد فوتبال چیست؟ چگونه باید توپ را به دیگری پاس داد؟ و مانند آن) بدین ترتیب است که طرحوارهٔ کودکان برای کسب رفتارهای مناسب جنس خود، بهتر از طرحواره رفتارهای نامناسب جنس خود رشد می‌کند. با این توصیف کودکان می‌آموزند که کدام رفتارها برای کدام جنس مناسب است و کدام دسته از رفتارها و فعالیت‌ها متناسب با جنسیت او هستند، و کدامیک مناسب جنسیت او نیستند (لوی و کارتر<sup>۴</sup>، ۱۹۸۹، بِم<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹).

بدین ترتیب، با مقایسهٔ دو رویکرد نظریهٔ شناختی و نظریهٔ طرحوارهٔ جنسیتی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در نظریهٔ شناختی، فرایند تحول هویت جنسیتی از فرایند تحول شناختی تبعیت می‌کند و بر مبنای این موضوع کودکان نقش‌های جنسیتی خود را اکتساب می‌کنند. اما در نظریهٔ طرحواره‌های جنسیتی، آنچه زمینه ساز اکتساب هویت جنسیتی است هنجارهای اجتماعی و طرحواره‌هایی است که فرهنگ و جامعه برای هر

1. Bem

2. Martin

3. Salient characteristic

4. Levy and Carter

فرد مناسب تشخیص می‌دهد. در این دیدگاه، مجموعه‌ای از طرحواره‌ها هویت جنسی فرد را تشکیل می‌دهند.

### ج. رشد پایداری جنسی

منظور از پایداری جنسی این است که جنسیت، علی‌رغم تغییرات فیزیکی و ظاهری، دگرگون نمی‌گردد و کماکان ثابت باقی می‌ماند. از جمله نخستین مطالعات پیرامون فرآیند تحول ثبات جنسی بر اساس رویکرد شناختی کلبه‌رگ، تحقیق دیورایز (۱۹۶۹) است. وی در این مطالعه چنین گزارش می‌کند که کودکان سه ساله معتقدند که وقتی پسری رفتار جنس مخالف را انجام می‌دهد یا لباس‌های جنس مخالف خود را می‌پوشد، جنسیت او تغییر پیدا می‌کند. بدین معنا که، چنانچه پسر بچه‌ای لباس دخترانه بپوشد یا بازی‌های دخترانه انجام دهد، واقعا "دختر می‌شود؛ به‌طور مثال، ممکن است یک پسر بچه سه ساله بگوید من عروسک بازی نمی‌کنم، چون دختر می‌شوم. از نظر این کودک، پوشیدن لباس جنس مخالف یا انجام رفتار جنس مخالف پدیده‌ای انتقال دهنده برای تغییر جنسیت است (یورک لند، ۱۹۸۹). طبق این نظر، در واقع کودک نقش‌های جنسی را عاملی اساسی در تعیین و توجیه جنسیت خود و دیگران قلمداد می‌کند و یا بیش از آنکه به جنسیت ماهیت و طبیعتی پایدار دهد، به نقش‌های جنسی مربوط به هر جنس ماهیت و طبیعتی پایدار می‌دهد. این موضوع را می‌توان بر اساس رویکرد شناختی و بر مبنای مراحل رشد شناختی تشریح کرد. بدین ترتیب که کودکان سه ساله در مرحله رشد شناختی پیش عملیاتی قرار دارند و اساساً "تعبیر و تفسیر آنها از پدیده‌ها بر پایه مطالب و وقایع عینی صورت می‌گیرد.

### د. تحول هویت جنسی

از جمله محققانی که در زمینه فرآیند رشد ثبات جنسی به مطالعه پرداخته‌اند اسلاپی

و فری<sup>۱</sup> (۱۹۷۵) می‌توان نام برد. اسلابی و فری در تحقیق خود که منجر به تأیید نظر کلبرگ در مراحل رشد هویت جنسی نیز شد، به سه مرحله متفاوت در جریان تحول هویت جنسی اشاره می‌کنند. این مراحل عبارتند از: هویت جنسی<sup>۲</sup>، ثبات جنسی<sup>۳</sup>، و استواری جنسی<sup>۴</sup>. اسلابی و فری در توضیح هر یک از این مراحل این‌گونه ادامه می‌دهند که، هویت جنسی در واقع توانایی کودک در تشخیص و شناسایی خود و دیگران به عنوان دختر یا پسر است. چنان‌چه در این مرحله از دختر بچه‌ای در مورد نوع جنسیت خود یا دوستش (همجنس و جنس مخالف) سؤال شود، به پرسش‌ها پاسخ صحیح خواهد داد. مرحله دوم یعنی ثبات جنسی، به دانش کودک در مورد باقی ماندن جنسیت علی‌رغم گذشت زمان اشاره دارد. در این مرحله کودک می‌فهمد که با گذشت زمان، جنسیت او تغییر نمی‌کند. پسر بچه‌ها در این مرحله معتقدند که وقتی بزرگ شوند پدر می‌شوند و دخترها معتقدند که مادر می‌شوند. البته این تشخیص و ادراک علاوه بر ثبات جنسی در خود، به ثبات جنسی در دیگران (همجنس و جنس مخالف) نیز دلالت دارد. در مرحله سوم یعنی استواری جنسی، کودک به این اعتقاد دست می‌یابد که با وجود تغییرات ظاهری در لباس یا رفتار، جنسیت همچنان باقی خواهد ماند. در این مرحله چنان‌چه از پسر بچه‌ای سؤال شود اگر لباس دخترانه بپوشی، پسری یا دختر؟ خواهد گفت "پسر" (جواب درست)، و یا اینکه از دختر بچه‌ای پرسیده شود، اگر تفنگ بازی کنی، دختری یا پسر؟ جواب خواهد داد "دختر".

اسلابی و فری (۱۹۷۵) در این باره معتقد به نوعی همبستگی و رابطه میان سن و رشد ثبات جنسی هستند. این دو محقق معتقدند که توالی فرآیند تحول ثبات جنسی ثابت است و به ترتیب ابتدا کودک به هویت جنسی، سپس ثبات و در آخرین مرحله به استواری جنسی دست می‌یابد.

هویت جنسی ← ثبات جنسی ← استواری جنسی

محققان دیگری از جمله اتون و ون برگن<sup>۱</sup> (۱۹۸۱)، سرین<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۹۳) و روبلا<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۸۱) نیز این توالی را تأیید کرده‌اند و همگی معتقدند که هویت جنسی به‌طور تقریبی، در حدود سنی ۲/۵ سالگی، ثبات جنسی در حدود ۴ تا ۵ سالگی، و استواری جنسی در سنین ۶ تا ۷ سالگی رخ می‌دهد. مونر<sup>۴</sup> و همکاران (۱۹۸۴) نیز در بررسی کودکان برزیلی، کنیایی، و نیالی به همین نتیجه دست یافته‌اند. اتون و ون برگن (۱۹۸۱) معتقدند که کودک در درک پایداری جنسی در جریان رشد هویت جنسی ابتدا در مورد خودش و سپس در مورد کودکان همجنس<sup>۵</sup>، و در آخر در مورد همسالان جنس مخالف به این ادراک دست می‌یابد. معمولاً "کودکان به پرسش‌های مربوط به ثبات جنسی خودشان بسیار بهتر از پرسش‌های مربوط به ثبات جنسی همسالان همجنس و به همین منوال سؤالات مربوط به همسالان جنس مخالف پاسخ می‌دهند (گوز و ندل من<sup>۶</sup>، ۱۹۸۰؛ مارکوس و اورتون<sup>۷</sup>، ۱۹۷۸؛ بیم، ۱۹۸۹). بیم (۱۹۸۹) معتقد است که کودکان قبل از آنکه به مرحله استواری جنسی برسند، برای تشخیص جنسیت بر اساس دستگاه تناسلی، از دانش کافی برخوردار نیستند.

#### اهداف پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی فرایند تحول هویت جنسی در کودکان ایرانی است. بررسی حدود زمانی اکتساب مراحل مختلف هویت جنسی (هویت جنسی، ثبات جنسی، و استحکام جنسی) و نیز مطالعه ترتیب اکتساب هویت جنسی که در مورد خود، کودک همجنس، و کودک غیر همجنس نیز از اهداف این مطالعه است. تلاش در پاسخگویی به این سؤالات و نیل به این اهداف زمینه‌های لازم را برای مقایسه‌های بین فرهنگی فراهم می‌آورد و امکان درک فرایندهای تحولی کودک از جامعه‌ای به جامعه دیگر را فراهم می‌سازد.

---

1. Eaton & Von Borgen

2. Serbin

3. Ruble

4. Munroe

5. Same sex

6. Gouze & Nadelman

7. Marcus & Overton

## روش پژوهش

جامعه و نمونه آماری. این مطالعه شامل کودکان ۲ تا ۶ ساله مراکز پیش دبستانی و کودکان ۶ تا ۷ ساله دبستانی شهر شیراز است. نمونه آماری در این مطالعه شامل ۱۱۷ کودک (۶۱ دختر و ۵۶ پسر) ۲ تا ۷ سال است که در قالب پنج گروه سنی مختلف مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (جدول ۱). به منظور کنترل برخی عوامل و متغیرهای اجتماعی موثر بر فرایندهای تحولی کودک، گروه نمونه مورد مطالعه از مراکز پیش دبستانی و دبستانی دانشگاه شیراز انتخاب شده است؛ هرچند این امر از جهاتی مانع از تعمیم نتایج حاصل بر کل کودکان پیش دبستانی و دبستانی می‌گردد.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی و درصد کودکان در هر یک از گروه‌های سنی

سن	۳-۲	۴-۳	۵-۴	۶-۵	۷-۶
فراوانی	۲۲	۲۵	۲۵	۲۵	۲۰
درصد	۱۸/۸	۲۱/۴	۲۱/۴	۲۱/۴	۱۷/۱

شیوه اجرا. در این پژوهش، پس از انتخاب گروه نمونه، هر یک از کودکان به صورت انفرادی مورد بررسی قرار گرفتند. جهت ارزیابی سطح اکتساب هویت جنسی، پس از برقراری ارتباط مناسب با کودک، از هر یک از آنها ۹ سوال در سه بخش پرسیده شد. بخش اول در مورد هویت جنسی، بخش دوم درباره ثبات جنسی، و بخش سوم استواری جنسی بود. هر بخش شامل سه سوال به ترتیب در مورد خود کودک مورد ارزیابی، همسال همجنس، و همسال غیر همجنس کودک مورد ارزیابی بود (پیوست ۱). در مورد پرسش‌هایی که موضوع آنها فردی غیر از خود کودک مورد ارزیابی بود، کودکانی موضوع سوال قرار می‌گرفتند که کودک مورد ارزیابی آنها را کاملاً می‌شناخت و با آنها بازی کرده بود. بطور مثال، در مورد مریم به عنوان یکی از آزمودنی‌ها در زمینه هویت جنسی سه سؤال پرسیده شد که عبارت بودند از: الف) مریم تو دختری یا پسر؟ ب) دوستت "ندا" دختر است یا پسر؟ و ج) دوستت "علی" پسر است یا دختر؟ به همین ترتیب از مریم در مورد پایداری و استواری جنسی نیز هر کدام سه سوال پرسیده شد. برای اعتبار سنجی فرایند ارزیابی، ۱۵ نفر از کودکان در دو مرحله با فاصله یک هفته



و توسط دو آزمونگر مورد ارزیابی قرار گرفتند؛ که از ۱۳۵ سؤال پرسیده شده از این ۱۵ کودک (تعداد سؤالات ضربدر تعداد کودکان) فقط در سه مورد نتایج حاصل از دو بار آزمونگری توسط دو آزمونگر تفاوت وجود داشت. این بررسی نشان داد که در ۹۸ درصد موارد میان دو آزمونگر و یا نتایج حاصل از دو ارزیابی توافق و هماهنگی وجود دارد.

### یافته‌ها

به منظور بررسی سطح اکتساب مراحل مختلف هویت جنسی، به شمارش پاسخ‌های درست کودکان به هریک از سؤالات در گروه‌های سنی مختلف اقدام شد. جدول ۲ نشانگر درصد کودکانی است که در هریک از گروه‌های سنی پنج‌گانه مراحل مختلف هویت جنسی را اکتساب کرده‌اند. با ملاحظه این جدول می‌توان چنین نتیجه گرفت که درصد پاسخ‌های درست از سمت راست به چپ فرایندی کاهنده و نزولی را دنبال می‌کند و مطالعه عمودی این جدول از بالا به پایین در هریک از سؤالات نشانگر سیر صعودی درصدها (میزان اکتساب هویت جنسی) است. به طور مثال، در بررسی افقی این جدول می‌توان به مقایسه درصد پاسخ‌های درست کودکان ۳ تا ۴ ساله به سؤالات هویت جنسی، ثبات جنسی، و استواری جنسی پرداخت. همان‌طور که در جدول مشخص است ۱۰۰ درصد کودکان این گروه سنی به مرحله هویت جنسی در مورد خود، همسال همجنس، و همسال غیر همجنس رسیده‌اند؛ در حالی که در حدود ۷۰ درصد از آنها به مرحله ثبات جنسی و حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد آنها به مرحله استواری جنسی رسیده‌اند.

جدول شماره ۲. درصد پاسخ درست گروه‌های سنی مختلف به پرسش‌ها

سطح سؤال	هویت جنسی									ثبات جنسی	استواری جنسی
گروه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹		
۲-۳	۷۷/۳	۶۳/۶	۵۴/۵	۴۵/۵	۲۲/۷	۱۸/۲	۲۲/۷	۹/۱	۴/۵		
۳-۴	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۸۸	۷۶	۶۴	۳۲	۲۰	۲۰		
۴-۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۶	۹۲	۸۸	۲۸	۲۰	۱۶		
۵-۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۴۸	۳۶	۳۶		
۶-۷	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۰	۹۰		
کل	۹۵/۴	۹۲/۶	۹۰/۹	۸۵/۹	۷۸/۱	۷۴	۴۶/۱	۳۵/۲	۳۳/۳		

بررسی عمودی این جدول در هریک از سؤالات گروه‌های سنی مختلف نیز نشانگر فرایندی افزایشی است. به‌طور مثال، در مورد سؤال ۶، کودکان گروه سنی ۲ تا ۳ سال الی ۶ تا ۷ سال، به ترتیب ۱۸/۲، ۶۴، ۸۸، ۱۰۰ و ۱۰۰ درصد پاسخ درست داده‌اند. به‌طور خلاصه، مقایسه افقی درصد پاسخ‌های درست در جدول ۲ نشانگر فرایند ترتیبی مراحل مختلف هویت جنسی و مقایسه عمودی درصد پاسخ‌های درست نمایانگر رابطه سن و سطوح تحول هویت جنسی است.

جدول ۳ نیز نشانگر درصد پاسخ‌های درست کل گروه نمونه به سؤالات بر اساس دو ملاک سطوح مختلف تحول هویت جنسی (هویت جنسی، ثبات جنسی، استواری جنسی) و موضوع سؤال (خود کودک، کودک همسال همجنس، و کودک همسال غیر همجنس) است.

جدول شماره ۳. درصد پاسخ‌های درست براساس موضوع سوال و سطح تحول جنسی

ردیف	سطح موضوع	هویت جنسی	ثبات جنسی	استواری جنسی
۱	خود کودک	۹۵/۵	۸۵/۹	۴۶/۱
۲	همجنس	۹۲/۶	۷۸/۱	۳۵/۲
۳	غیر همجنس	۹۰/۹	۷۴	۳۳/۳

بررسی افقی جدول ۳ (از راست به چپ) حکایت از فرایندی نزولی در پاسخ‌های درست کودکان دارد. به‌طور مثال، مطالعه ردیف یک این جدول در سه سطح هویت جنسی، ثبات جنسی، و استواری جنسی به ترتیب نشانگر ۴/۹۵، ۹/۸۵، و ۱/۴۶، درصد پاسخ درست کودکان است. همچنین بررسی عمودی این جدول (از بالا به پایین) نشانگر سیر نزولی پاسخ‌های درست است. به‌طور مثال، در ستون سوم (استواری جنسی) در سه ردیف خود، همسال همجنس، و همسال غیر همجنس درصد پاسخ‌های درست به ترتیب ۱/۴۶، ۲/۳۵، و ۳/۳۳ است. به عبارت دیگر بررسی افقی جدول ۳ نمایانگر ترتیب بروز هر یک از مراحل تحول هویت جنسی است و بررسی عمودی آن نشانگر اکتساب هویت جنسی به ترتیب در خود کودک، همسال همجنس، و همسال غیر همجنس است.

در این مطالعه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه جهت بررسی و مقایسه میانگین نمرات پنج گروه سنی (جدول ۴) مورد مطالعه در هویت جنسی، ثبات جنسی، و استواری جنسی استفاده شده است. یافته های این تحلیل حاکی از وجود تفاوت معنادار میان گروه های سنی مختلف در سه مقوله پیش گفته. در مورد هویت جنسی نتایج آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی شفه نشانگر تفاوت معنی دار میان گروه سنی ۲-۳ ساله با دیگر گروه های سنی است ( $F_{4,112} = 15/6, P < 0/001$ ). یعنی میانگین گروه سنی ۲-۳ ساله ها در هویت جنسی به طور معناداری کمتر از دیگر گروه های سنی است. در مورد مرحله ثبات جنسی نیز نتایج آزمون تحلیل واریانس و آزمون شفه نشان می دهد که میان گروه سنی ۲-۳ ساله ها با دیگر گروه های سنی تفاوت معناداری وجود دارد ( $F_{4,112} = 30/34, P < 0/0001$ )؛ یعنی میانگین ثبات جنسی در گروه سنی ۲ تا ۳ ساله ها در مقایسه با دیگر گروه های سنی به طور معناداری پایین تر است. همین مقایسه در مورد مرحله استواری جنسی نیز حاکی از تفاوت معنادار گروه سنی ۶ تا ۷ ساله ها با دیگر گروه های سنی است ( $F_{4,112} = 15/58, P < 0/001$ )؛ بدین ترتیب که گروه سنی ۶ تا ۷ ساله دارای میانگین استواری جنسی بالاتری در مقایسه با دیگر گروه ها هستند.

جدول شماره ۴. میانگین گروه های مختلف سنی در مراحل تحول هویت جنسی

مرحله	گروه سنی	۳-۲	۴-۳	۵-۴	۶-۵	۷-۶
هویت جنسی		۱/۹۵	۳/۰۰	۳/۰۰	۳/۰۰	۳/۰۰
ثبات جنسی		۰/۸۶	۲/۲۸	۲/۷۶	۳/۰۰	۳/۰۰
استواری جنسی		۰/۳۶	۰/۶۴	۰/۷۲	۱/۲	۲/۷۵

در این مطالعه، برای مقایسه میانگین سه مرحله تحول جنسی خود، همجنس همسال و غیر همجنس همسال، از آزمون اندازه گیری های مکرر استفاده گردید. مقدار نسبت Pillais در تحلیل برابر ۰/۸۹ بود و مقدار F در این مقایسه، حاکی از تفاوت معنادار سه میانگین تحول جنسی خود، همجنس همسال، و غیر همجنس همسال (که به ترتیب برابر ۲/۲۵، ۲/۰۵، و ۱/۹۷) بود، یعنی میانگین نمره تشخیص هویت جنسی خود به طور

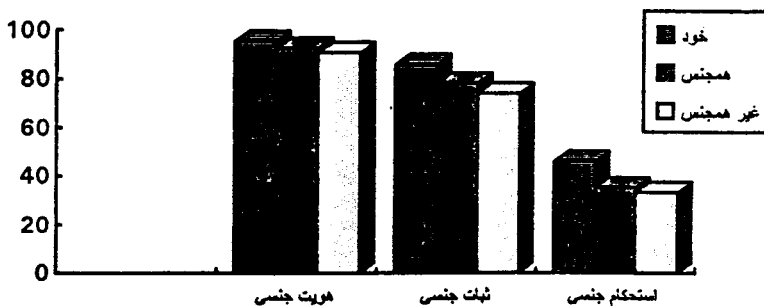
معناداری بیشتر از میانگین نمره تشخیص هویت جنسی همسال همجنس، و غیر همجنس بود. همچنین میانگین نمره تشخیص هویت جنسی همسال همجنس نیز به‌طور معناداری بیشتر از میانگین نمره تشخیص هویت جنسی همسال غیر همجنس بود، ( $F_{۴,۱۱۲}=۳۱۱/۷, P<۰/۰۰۱$ )؛ از یافته‌های فوق شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که در جریان تحول هویت جنسی، ابتدا فرد توانایی تشخیص هویت جنسی خود، سپس به هویت جنسی همجنس خود، و پس از آن به تشخیص هویت جنسی غیر همجنس دست می‌یابد.

در راستای تبیین بیشتر رابطه سن و فرایند تحول هویت جنسی از تحلیل رگرسیون نیز استفاده شد. نتایج این تحلیل حاکی از قدرت پیش‌بینی بالای سن برای تحول هویت جنسی بود. (جدول ۵).

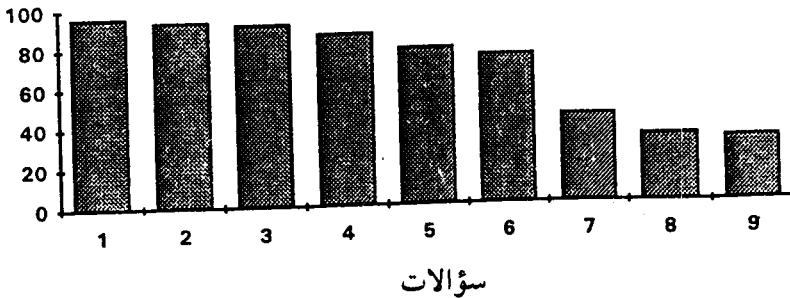
جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون تحول هویت جنسی (متغیر ملاک) بر سن (متغیر پیش بین)

$R^2$	$\beta$	F	df	P
۰/۴۷	۰/۶۸	۱۰۲/۲	۱،۱۱۵	۰/۰۰۱

نمودار شماره ۱ نشانگر درصد پاسخ‌های درست کودکان گروه نمونه به پرسش، براساس جدول شماره ۳ و نمودار شماره ۲ نشانگر درصد پاسخ‌های درست کل کودکان براساس جدول شماره ۲ است.



نمودار شماره ۱. درصد پاسخ‌های درست براساس سطح تحول جنسی در مورد خود، همجنس و غیر همجنس



نمودار شماره ۲. درصد پاسخ به سؤالات

علاوه بر ۹ سؤالی که از کودکان جهت بررسی سطح تحول هویت جنسی آنها پرسیده شد، یک سؤال دیگر نیز در انتهای کار ارزیابی، به منظور بررسی سطح رشد شناختی؛ برای کودکان عنوان شد. این سؤال بدین قرار بود: "چگونه می‌توانیم بفهمیم که یک بچه دختر است یا پسر؟" در زمان پرسیدن این سؤال آزمونگر جهت تفهیم کامل پرسش‌گاهی برای کودکان توضیحات بیشتری ارائه می‌کرد؛ به طور مثال، می‌گفت: علی (مریم) پسر است یا دختر؟ و پس از آنکه کودک به این سؤال پاسخ می‌داد مجدداً "آزمونگر می‌پرسید: از کجا و یا از چه چیزی فهمیدی؟ دربارهٔ با این سؤال، بعد از بررسی پاسخ‌های کودکان، پاسخ‌های آنها به‌طور کیفی در سه طبقهٔ مختلف دسته‌بندی شد. این طبقات عبارتند از: (۱) قضاوت براساس شواهد ظاهری؛ (۲) قضاوت براساس نظر مرجع یا بزرگ‌ترها؛ و (۳) قضاوت براساس رفتار و نقش‌ها. در قضاوت بر مبنای شواهد ظاهری، کودکان به نشانه‌های عینی و قابل مشاهده‌ای از قبیل نوع لباس، بلندی و کوتاهی مو، زدن یا نزدن لاک، داشتن یا نداشتن گوشواره و مانند آن اشاره می‌کردند. آن دسته از کودکانی که مبنای قضاوت خود را نظر دیگران قرار می‌دادند اغلب به گفتهٔ پدر و مادر و گاهی معلم یا مربی خود اشاره می‌کردند. آن دسته از کودکانی که نشانه‌های رفتاری را مبنای قضاوت خود قرار می‌دادند به مواردی از قبیل پسرها توپ بازی می‌کنند، دخترها عروسک بازی می‌کنند، دخترها آرام هستند و اشاره می‌کردند. بعضی از کودکان نیز ملاک تشخیص هویت جنسی را اسم کودک می‌دانستند که در هیچ‌یک از طبقات پیش

گفته قرار نمی‌گیرد. در مقایسه گروه‌های سنی پنجگانه در این تحقیق و در مورد این سؤال یافته‌ها، حاکی از آن بود که، تأکید بر قضاوت براساس رفتارها و نقش‌ها در گروه سنی ۶ تا ۷ سال بیشتر از سنین دیگر بود (حدود ۶۰ درصد پاسخ‌ها). هرچند بعضی از کودکان همین گروه سنی (۶ تا ۷ ساله) نیز گاهی از شواهد ظاهری یا براساس اسم کودک به قضاوت در مورد هویت جنسی اقدام می‌کردند. این در حالی بود که ۷۰ درصد کودکان گروه سنی ۳ تا ۴ سال برنشانه‌های ظاهری اشاره می‌کردند.

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد هدف از این بررسی مطالعه فرایند تحول هویت جنسی در کودکان شهر شیراز بود. در این زمینه پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالاتی در مورد زمان اکتساب مراحل مختلف هویت جنسی و ترتیب اکتساب این مراحل از سوی کودکان بود. در مورد زمان اکتساب هریک از مراحل تحول هویت جنسی، یافته‌های این بررسی حاکی از آن است که کودکان در سنین ۳ تا ۴ سالگی تقریباً به‌طور کامل به هویت جنسی (مرحله اول) دست می‌یابند؛ در حدود سنین ۴ تا ۵ سالگی حدود ۹۰ درصد از کودکان موفق به کسب ثبات جنسی (مرحله دوم) می‌گردند؛ و در سنین ۵ تا ۶ سالگی، همه کودکان به اکتساب این مرحله توفیق می‌یابند. در این زمینه، کودکان ۶ تا ۷ ساله تقریباً به‌طور کامل مرحله استواری جنسی (مرحله سوم) را کسب می‌کنند (جدول ۲). این نتایج و نتایج آزمون تحلیل واریانس حکایت از وجود نوعی رابطه میان سن و اکتساب مراحل مختلف تحول جنسی دارد؛ که این نتیجه با یافته‌های اتون و ون برگن (۱۹۸۱)، سرین و همکاران (۱۹۹۳)، روبلا و همکاران (۱۹۸۱)، و مونرو و همکاران (۱۹۸۴) همسو است. چون این محققان نیز به وجود چنین رابطه‌ای اشاره کرده‌اند و تقریباً برآورد حدود سنی اکتساب مراحل مختلف هویت جنسی توسط این محققان با برآورد حاصل از یافته‌های این پژوهش هماهنگ است. این هماهنگی می‌تواند نشانگر وجود نوعی الگوی تقریباً مشخص همانند الگوی تحول شناختی برای رشد هویت جنسی باشد.

در مورد ترتیب بروز هریک از مراحل تحول هویت جنسی (هویت جنسی، ثبات جنسی، و استواری جنسی) نیز یافته‌های این بررسی (نتایج آزمون اندازه‌گیری مکرر)،

حکایت از وجود نوعی ترتیب و توالی خاص در مورد این مراحل داشت که با پژوهش‌های پیشین هماهنگ است. (اسلابی و فری، ۱۹۷۵؛ گوز و ندلمن، ۱۹۸۰؛ اتون و ون برگن، ۱۹۸۱). جدول شماره ۲، ۳، و ۴ هر یک به صورت جداگانه بیانگر این ترتیب هستند. با استناد به اطلاعات موجود در این سه جدول و نیز مشاهده نمودارهای شماره ۱ و ۲ می‌توان به این نتیجه رسید که کودکان ابتدا موفق به کسب مرحله هویت جنسی، سپس مرحله ثبات جنسی و در آخرین مرحله استواری جنسی می‌شوند. از سوی دیگر، نتیجه تحلیل رگرسیون نیز حاکی از تأثیر معنادار متغیر سن بر تحول هویت جنسی بود. بدین ترتیب که با افزایش سن، هویت جنسی تحول می‌یابد. این ترتیب و توالی در مورد کسب هویت جنسی به طور قابل ملاحظه‌ای با نظریه رشد شناختی پیازه همخوانی دارد و شاید بتوان گفت که اکتساب هویت جنسی از الگوی رشد شناختی پیروزی می‌کند؛ یعنی همان که کلبرگ به آن معتقد بود. این ترتیب و توالی به طور چشمگیری با فرایندهای تحول شناختی در مورد توجه کودک به ظاهر پدیده‌ها در سنین اولیه کودکی تا کسب توانایی‌های اولیه در نگهداری ذهنی در حدود ۶ سالگی هماهنگی دارد.

در باره ادعای اتون و ون برگن (۱۹۸۱) که معتقدند در جریان رشد هویت جنسی، کودک ابتدا در مورد خودش به این آگاهی دست می‌یابد، سپس در مورد همسال همجنس، و در نهایت در مورد همسال غیر همجنس؛ یافته‌های این پژوهش نیز تا حد زیادی این ادعا را تأیید می‌کند. با ملاحظه نمودار شماره ۱ می‌توان به این نتیجه رسید که در هر سه مرحله هویت جنسی، ثبات جنسی، و استواری جنسی، کودک ابتدا در مورد خود، سپس در مورد همسال همجنس، و سرانجام همسال غیر همجنس به آگاهی می‌رسد. در این زمینه شاید بتوان به این نکته اشاره کرد که در مورد همسال همجنس و همسال غیر همجنس، کودکان ابتدا به شباهت‌های خود با دیگران و سپس به تفاوت‌های خود با دیگران توجه می‌کنند، که این نکته قابل تأمل و تحقیق است.

در باره نوع قضاوت کودکان در مورد هویت جنسی که اطلاعات مربوط به آن در قالب سه گروه متفاوت قضاوت براساس شواهد ظاهری، قضاوت براساس نظر مرجع، و سرانجام قضاوت براساس رفتارها و نقش‌های جنسی طبقه بندی گردید، می‌توان این گونه قضاوت کودکان ۶ تا ۷ ساله را از یک سو براساس رفتارها و نقش‌های جنسی و با استناد به افزایش توانایی‌های آنها در ارتباط با گروه همسالان، و از سوی دیگر به سبب

تاکید و تقاضای رفتارهای متفاوت از سوی جامعه برای دختران و پسران و جدا کردن دختران و پسران در ابتدای شروع به تحصیل توجه کرد. از سوی دیگر، افزایش میزان توجه کودک به ابعاد پایدارتر پدیده‌ها و کسب توان نگهداری ذهنی این امکان را برای کودکان به وجود می‌آورد تا در تشخیص هویت جنسی و به خصوص کسب استواری جنسی، تغییرات ظاهری از قبیل تغییر لباس را مهم ندانند. با این توصیف، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که چنان چه اینگونه باشد، آیا در این سنین ۶ تا ۷ سالگی تغییر نقش‌های رفتاری برای کودک ملاکی برای تغییر برداشت از مفهوم و محتوای جنسیت محسوب گردد. که پژوهش‌های آتی می‌توانند برای دادن پاسخ به این سؤال تلاش کنند.

پیوست ۱: پرسشنامه

موضوع	مرحله	هویت جنسی	ثبات جنسی	استواری جنسی
خود کودک	۱) ... نو دختری یا پسر؟	۴) وقتی بزرگ شدم ماما می‌شی یا بابا؟	۷) اگر تو عروسک بازی (فوتبال بازی) کنی، دختری یا پسر؟	
همسال همجنس	۲) ... پسر هست یا دختر؟	۵) ... وقتی بزرگ شد ماما همیشه با بابا	۸) اگر ... عروسک بازی (فوتبال بازی) کنه، دختر یا پسر؟	
همسال غیر همجنس	۳) ... دختر هست یا پسر؟	۶) ... وقتی بزرگ شد بابا همیشه با ماما؟	۹) اگر ... فوتبال بازی (عروسک بازی) کنه، دختر یا پسر؟	

۱۰) ... دختر است یا پسر؟ چطور (از کجا دونستی) ... دختر است؟

\* در نقطه چین (...). مصاحبه گر اسم همسالان کودک مورد مصاحبه را قرار می‌دهد.  
 \* به استثنای سؤالات یک، چهار، و هفت، بقیه مطابق با جنسیت کودک مورد مصاحبه تغییر پیدا می‌کند. به طور مثال، در مورد علی پرسیده می‌شد: علی بگو ببینم، رضا دوستت پسر است یا دختر؟ همین سؤال در مصاحبه با مریم به این شکل بیان می‌شد که "مریم بگو ببینم، فاطمه دوستت دختر است یا پسر؟" همانگونه که ملاحظه می‌گردد این هر دو سؤال مربوط به هویت جنسی همسال همجنس است.  
 \* در مورد سوال اول نام خود کودک مورد مصاحبه در نقطه چین قرار می‌گیرد.



- Bem . S.L.(1981)."Gender Schema Theory : A Cognitive Account of Sex-typing". *Psychological Review*,PP. 88,354-364
- Bem, S.L. (1989). "Genital Knowledge and Gender Consistency in Preschool Children". *Child Development*, PP. 60,649-662.
- Bjorklund D.F.(1989). *Children's Thinking: Developmental Function & Individual Differences*. Brooks/cole Company .(USA).
- De Vries, R.(1969) . *Consistency of Generic Identity in the Years Three to Six*. Monographs of the Society for Research in *Child Development* . 34(Serial NO.127).
- Eaton, W.O, ; Von Bargen, D (1981)."Asynchronous Development of Gender Understanding in Preschool Children".*Child Development* , PP. 52,1020-1027 .
- Gouze, K.R . ; Nadelman, L.(1981)."Consistency of Gender Identity for Self and Others in Children Between the Ages of Three and Seven". *Child Development*, PP. 51,275-278 .
- Levy, G.D; Carter,D.B.(1989)."Gender Schema, Gender Constancy, and Gender-role Knowledge: The Role of Cognitive Factors in Preschooler's Gender Role Stereo type Attribution" *Developmental Psychology*, No.13, PP.126-146
- Marcus , D.E, ; Overton , W.F.(1978) ."The Development of Cognitive Gender Consistency and Sex Role Preferences". *Child Development*, PP. 49 , 434 - 444 .
- Martin, C.L, Wood , C.H.; Little , J.K.(1990)." The Development of Gender Stereotype Components" *Child Development* ,PP. 61,1891-1904 .
- Munroe, R.H; Shimmin ,H.S; Munroe , R.L. (1984)."Gender Understanding and Sex Role Preference in Four Cultures". *Developmental Psychology* ,PP. 20, 673-682.
- Newman. P.R, Newman.B.M. (1997). *Childhood and Adolescence* . Boorks/cole . USA.
- Ruble, D.N.; Balaban , T.; Cooper , j. (1981) "Gender Consistency and the Effects of Sex Typed Televised Toy Cammercials" . *Child Development* , PP. 52,667-673.
- Serbin, L .A.; Powlishta, K.K.; Gulko,j.(1993) "The Development of Sex Typing in Middle Childhood" *Develoment*, SERIAL No . 232,Vol.58.
- Slaby , R.g.; Frey , K.s.(1975) "Development of Gender Consistency and Selective Attention to Same-Sex Models". *Child Development*, PP. 46,849-856.